

بنیادهای مفهومی کتاب‌های
درسی جامعه‌شناسی

چهار پایه فرهنگ وسبک زندگی

دکتر لطیف عیوضی
مسئول گروه علوم اجتماعی

مفهوم فرهنگ
دکتر لطیف عیوضی

معمولاً دو مفهوم «فرهنگ» و «جامعه» با هم به کار می‌روند. این دو پدیده نمی‌توانند جدا از یکدیگر باشند. جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد و فرهنگ نیز بدون جامعه پدید نمی‌آید. «مقایسه» یکی از روش‌های شناخته‌شده است. در این روش، معمولاً پدیده‌های ناشناخته و نامعلوم را با پدیده‌های معلوم مقایسه می‌کنند تا شناخته‌شده شوند. نسبت جامعه و فرهنگ را می‌توان با ساخت‌افزار و نرم‌افزار رایانه مقایسه کرد. ساخت‌افزار رایانه نمی‌تواند بدون نرم‌افزار آن کاری انجام دهد و نرم‌افزار نیز تنها به وسیله ساخت‌افزار می‌تواند اگر برای اولین بار به روستا یا شهری وارد شوید، افرادی را می‌بینید که روابط متقابل دارند و با هم زندگی می‌کنند. اگر مدتی در آنجا بمانید و با آن‌ها زندگی کنید کم‌کم با شیوه زندگی شان آشنا می‌شوید. آنچه در برخورد های نخستین مشاهده می‌کنید، «جامعه» است و آنچه به تدریج از شیوه زندگی آن‌ها یاد می‌گیرید، «فرهنگ» است. به روابط متقابل گروهی از انسان‌ها که سالیان متمادی با هم زندگی می‌کنند، «جامعه» و به شیوه زندگی آن‌ها «فرهنگ» می‌گویند.

فرهنگ پدیده‌ای آموختنی است و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. به همین دلیل فرهنگ را «آگاهی و شناخت مشترک» نیز می‌گویند؛ یعنی جمعی یا نسلی از افراد انسانی در این آگاهی شریک هستند. افراد انسانی بدون این آگاهی مشترک نمی‌توانند با هم زندگی کنند. شاید تا به حال متوجه شده باشید، وقتی با غریبه‌ای برخورد می‌کنید، هر دو ابتدا نمی‌دانید چگونه با یکدیگر رفتار کنید ولی به مرور با پرسش‌هایی از قبیل شما اهل کجایی، چند سال دارید، و چه کاره‌اید سر گفت‌وگو را باز می‌کنید. هدف شما از این پرسش‌ها دستیابی به همین آگاهی مشترک برای تعامل با یکدیگر است.

فرهنگ نه تنها تعامل ما با دیگران را ممکن می‌سازد بلکه روابط ما با طبیعت، ماورالطبیعت، خودمان و خداوند را نیز متأثر می‌سازد. برای پی بردن به این مطلب کافی است به تأثیر فرهنگ‌های مختلف در برخورد انسان‌ها با طبیعت دقت کنید. می‌توان پرسید وضعیت کنونی محیط زیست در جهان، محصول چه نوع فرهنگ‌هایی است؟

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، جامعه، سبک زندگی، نماد، هنجار، جامعه‌شناسی، ارزش، عقیده

مطالعات اجتماعی

دوره اول متوسطه

۱۰۸

مطالعات اجتماعی

دوره اول متوسطه

۱۲۳

جامعه‌شناسی ۱

مفاهیم ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی

جامعه‌شناسی ۲

ارزش‌های ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی

لایه‌های فرهنگ

فرهنگ برای یک فرد تازه وارد به تدریج آشکار می‌شود، زیرا فرهنگ لایه‌های متفاوتی دارد که بعضی از آن‌ها آشکارتر و بعضی پنهان‌ترند. نمادها، هنجارها، ارزش‌ها و عقاید لایه‌های متفاوت یک فرهنگ‌اند.

نمادها و نشانه‌ها

به چیزی که به عنوان نشانه یا نماینده‌ی شیء دیگری به کار می‌رود، «نماد» می‌گویند. مثلاً نمادهای استفاده از نمادها هستند. انسان‌ها غالباً از نمادها برای انتقال معانی مورد نظر خود استفاده می‌کنند. زبان گفتاری و نوشتاری یا شیوه‌های اصلی هستند که انسان‌ها از آن‌ها برای انتقال معانی استفاده می‌کنند. اشیای مادی یا دست‌ساخته‌های انسانی، مانند تصویرها، ابزار، خوراک، پوشاک، ساختمان‌ها و معماری نیز نقش نمادی دارند و در انتقال معانی شریک‌اند. بنابراین، مصنوعات یا دست‌ساخته‌های آدمی نیز بخشی از فرهنگ محسوب می‌شوند.

برخاستن «گاهی به معنای احترام به آن‌هاست و برخاستن در حین سخنرانی یک فرد، نشانه بی‌احترامی به او می‌بینید که یک رفتار در شرایط و زمینه‌های متفاوت معانی متفاوتی پیدا می‌کند. چپستی هر رفتار به معنایی که انتقال می‌دهد بستگی دارد. لایه‌های پنهان و عمیق هر فرهنگ بیش از هر چیز دیگری در رفتارها و اعمال اعضای آن فرهنگ آشکار می‌شوند.

هنجارها و قواعد

زندگی کردن با دیگران برای ما فرصت‌ها و محدودیت‌هایی پدید می‌آورد. فردی که با دیگران شیوه‌های معینی عمل کند، مابه‌دوستان خود عمل کند و برای پایداری زندگی اجتماعی باید به هنگام ورود به کلاس یا سوار شدن اتوبوس حق تقدم را رعایت می‌کنیم و به هم تعارف می‌دهیم. این‌ها مواردی از رفتارها و اعمالی هستند که ما در ارتباط با دیگران انجام می‌دهیم. به شیوه و مجموعه‌ای از رفتارهای ناسازگار و ممنوع را مشخص می‌سازند و با توبیخ و تنبیه از بروز یا تکرار آن‌ها جلوگیری می‌کنند.

زندگی اجتماعی، بدون هنجارها نه تنها دوام نمی‌آورد بلکه قابل تصور هم نیست. زیرا زندگی اجتماعی تنها هنگامی میسر است که قواعد و معیارهایی وجود داشته باشند که شیوه رفتار افراد را مشخص کنند. رفتار ما در خانواده، مهمانی، محله، نوشیدنی‌ها، لباس‌ها، بازی، دانشگاه، اداره و ... تحت پوشش هنجارها قرار دارد. نوع غذاها، مسجد، مدرسه، معابد، پارک، بازی، دانشگاه، سرعت رانندگی، ممنوعیت دزدی، مصرف مواد مخدر، بی‌حجابی و ... از هنجارهای جامعه ما هستند. اگر بسیار دقیق شوید، این احساس به شما دست می‌دهد که گویی در اقیانوسی از هنجارها غوطه‌ورید! هر جامعه در قلمروها و حوزه‌هایی که مهم قلمداد می‌کند، به هنجارسازی روی می‌آورد و این که چه چیزی مهم یا غیرمهم است، به لایه‌های عمیق‌تر فرهنگ، یعنی ارزش‌ها و عقاید بستگی دارد.



سینما مستند و این دو حوزه را در بسیاری موارد می‌بینیم و با آنها زندگی جدید به تدریج زندگی آنها را می‌گیرد. فرهنگ است که زندگی را یکپارچه می‌کند. برای مثال نوع عبادات، شیوه‌های گذران وقت و ارزش‌های اخلاقی، نگرش به...

تفاوت‌ها و معیارهای مربوط به یک کشور را یاد نگرفت باشد، نمی‌تواند سود معنایی و پرشکوه داشته‌ها و معیارهای ویژه خود را درازد. آنها که همه مردم یک محله در آن اشتراک دارند فرهنگ عمومی می‌دهد و بخش‌هایی که مربوط به قوم، قشر، سن و...



عمومی قرار دارند اغلب با فرهنگ عمومی...



های فرهنگ عمومی باشند، در این...

آرمان‌ها و ارزش‌ها

به امور خوب و مطلوب در مقابل امور بد و نامطلوب «ارزش» می‌گویند. ارزش‌های اجتماعی ارزش‌هایی محسوب می‌شوند که مورد توجه و پذیرش همگان هستند و افراد جامعه نسبت به آن‌ها گرایش و تمایل دارند. افراد جامعه از تحقق ارزش‌ها احساس خشنودی می‌کنند و گاه حاضرند برای استقرار آن‌ها جان خویش را به خطر اندازند. جلوگیری از استقرار ارزش‌ها موجب ناراحتی و واکنش افراد جامعه می‌شود. «وحدت و یکپارچگی مسلمین» پیروزی و برای ملت «عزت و استقلال کشور» و برای امت اسلامی، در هر جامعه‌ای متناسب با ارزش‌های اجتماعی، هنجارهایی تعیین می‌شود. در واقع، هنجارها شیوه‌های تحقق ارزش‌های اجتماعی خود را ملزم به دفاع از کشور می‌دانند. از پیشرفت‌ها و پیروزی‌های اعضای آن در مقابل هجوم دشمنان، خود را ملزم به دفاع از کشور می‌دانند. از پیشرفت‌ها و پیروزی‌های اعضای آن احساس غرور می‌کنند و با کسانی که استقلال کشور را نادیده می‌گیرند، دشمنی می‌ورزند. از این جهت شبیه هم‌اند و ارزش‌ها به ما نشان می‌دهند که چه چیزی از چه چیز دیگری بهتر است! شاید داستان «لاغ بوریدان» را شنیده باشید. لاغ بوریدان میان دو توبره علوفه قرار می‌گیرد که از همه جهت شبیه هم‌اند و هیچ‌گونه تفاوتی ندارند. به گونه‌ای که لاغ توان ترجیح دادن هیچ یک از این توبره‌ها را بر دیگری ندارد و بلا تکلیف می‌ماند تا سرانجام از گرسنگی می‌میرد. این داستان با تأکید نشان می‌دهد که اگر ارزش نباشد تفاوت چندانی میان انسان‌ها و حیوانات نخواهد بود.

عقاید و باورها

«هنجارها» باید و نیاید و «ارزش‌ها» خوب‌ها و بد‌ها را از نگاه یک فرهنگ نشان می‌دهند. «عقاید» به زبان صحیح پیسنندیده و خوب است» یک ارزش، و «در آدمی با سواد شدن باید به مدرسه رفت» یک هنجار، «باسواد شدن امری چنین ظرفیتی وجود ندارد» یک اعتقاد است. به نظر شما اگر مردم یک جامعه به تربیت‌پذیری انسان‌ها اعتقاد نداشته باشند، آیا هیچ‌گاه از خوبی تربیت یا شیوه‌های تحقق آن سخن می‌گویند؟ هنجارها و ارزش‌های اجتماعی ریشه در عقاید جامعه دارند. البته عقاید خود نیز لایه‌های متفاوتی دارند. عمیق‌ترین لایه هر فرهنگ، «عقاید کلان» آن هستند. عقاید کلان در پاسخ به پرسش‌هایی شکل می‌گیرند که همه انسان‌ها ناگزیر از مواجهه و پاسخ‌گویی به آن‌ها هستند. مانند باور و اعتقادی که انسان به اصل جهان و جایگاه انسان در آن، و تفسیری که انسان از زندگی می‌سپارد، آرمان‌ها، ارزش‌ها، مرگ خود و نمادهای خود را متناسب با آن شکل می‌دهد اما جامعه‌ای که هستی را فراتر از زندگی دنیا می‌بیند، جایگاه انسان، چهار لایه فرهنگ که در بالا تشریح شد، در واقع «محتوای زندگی» و «سبک زندگی» مردم جامعه را نشان می‌دهند. عقاید و ارزش‌ها، محتوای زندگی و همان اهداف و سبک زندگی همان وسایل رسیدن به اهداف زندگی می‌دهند. به عبارت دیگر، محتوای زندگی مردم جامعه رابطه‌ای دوسویه دارند و بر یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند. شکاف و گسست میان محتوا و سبک زندگی مردم یک جامعه به معنی گسست میان وسایل و اهداف زندگی آن‌ها و بزرگ‌ترین نوع محتوای و آشفتگی است.

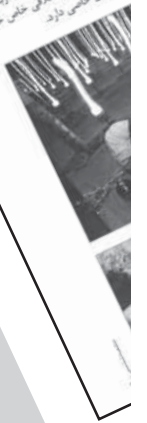


بازدید از آید جامعه و فرهنگ را به جسم و جان یک مومنان در دهه
مور حکم حسرت و کلام و فرهنگ در حکم جل روح است
متفاوتی برای زندگی دارند و قابل تفاوت آنها این است که
ست و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل
نور الهی و شناخت مشترک بر می‌نماید.
بازدید از آید جامعه و فرهنگ را به جسم و جان یک مومنان در دهه



بازدید از آید جامعه و فرهنگ را به جسم و جان یک مومنان در دهه
مور حکم حسرت و کلام و فرهنگ در حکم جل روح است
متفاوتی برای زندگی دارند و قابل تفاوت آنها این است که
ست و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل
نور الهی و شناخت مشترک بر می‌نماید.
بازدید از آید جامعه و فرهنگ را به جسم و جان یک مومنان در دهه

خرده فرهنگ
و ورود به زندگی مشترک زانویی آداب و رسوم
آیا بر اساس خواستگاه در همه نظام ایران یکسان
نظا و شصت های آن را بیان کنید ؟
ت و راستگویی را از چه تعبیر خفقت را از یک
ماریه : احترام به پدر و مادر را لازم می‌دانیم
تعبیر خفقت های از مردم ایران با راه‌های
مستقیم رفتاری و اخلاقی خاص خود
عقلی های خاصی دارد



اجزای فرهنگ

موجودات طبیعی در بستر زمان و مکان زندگی می‌کنند. بین مکان‌ها و به صورت گونه‌های حیوانی و توزیع گونه‌های حیوانی بر سطح کره زمین ارتباط وجود دارد. حیوانات با محیط طبیعی معمولاً در بخش خاصی از کره زمین زندگی می‌کند. حیوانات پاسخ می‌دهند. گویا حیوانات طبیعی است و آن‌ها به صورت غریزی به نیازهای خود با اجدادشان تفاوتی ندارد. به همین دلیل شیوه زندگی زنبورها و مورچه‌های امروزی طبیعی ویژه‌ای ندارند. انسان‌ها در سطح وسیعی از کره زمین توزیع شده‌اند و محیط به صورت طبیعی توان انطباق با شرایط محیطی و جغرافیایی را ندارند و نمی‌توانند در طبیعت و تغییر آن به نیازهای خود پاسخ دهند. آن‌ها ناچارند با تصرف یکسان نیست؛ یعنی شیوه زندگی انسان‌ها در محیط خود در طول تاریخ و در جوامع مختلف به نیازهای خود پاسخ می‌دهند.

انسان‌ها برای ادامه زندگی، به آب، غذا، سرپناه، امنیت، رابطه با دیگران، دوستی، احساس رضایت از زندگی، حقیقت‌جویی، پرستش، کمال‌خواهی، و ... نیاز دارند. جامعه نیز برای بقا، به تجدید نسل، دفاع، استقلال، نظم، رهبری، حکومت، آموزش، کنترل و ... احتیاج دارد. راه‌های متفاوتی برای ارضای نیازهای پذیرفته، مشروع و ضروری تلقی می‌شود. این کار به کمک نهادها صورت می‌گیرد. منظور از «نهاد» مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهایی است که به رفع نیازهای معینی از افراد و جامعه اختصاص پیدا می‌کنند. هر نهاد اجتماعی شیوه قابل قبول ارضای بخشی از نیازهای افراد و خانواده، تعلیم و تربیت، حکومت و اقتصاد دارد. ولی دارای انواع و اشکال متفاوتی هستند. نهادها در تاملی فرهنگ‌های بشری وجود دارند. ولی دارای انواع و اشکال متفاوتی هستند. نهادها در تاملی فرهنگ‌های بشری وجود دارند. ولی دارای انواع و اشکال متفاوتی هستند. نهادها در تاملی فرهنگ‌های بشری وجود دارند. ولی دارای انواع و اشکال متفاوتی هستند.

منابع
۱. بی. ایل. جامعه‌شناسی علمی انتقادی. ترجمه محمد حسین پناهی. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران. ۱۳۸۵
۲. برگر، پیتر. ساخت اجتماعی واقعیت. ترجمه مجید محمدی. انتشارات علمی فرهنگی. تهران. ۱۳۷۵
۳. بودون، ریمن. منطق اجتماعی. ترجمه حسین چاوشیان. تهران نشر نی. چاپ‌بدان. تهران. ۱۳۷۰
۴. گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی. ترجمه حسین چاوشیان. تهران نشر نی. ۱۳۸۶

